

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۱۱ جون ۲۰۱۱

## نفوذ یا تشکیک در میان اپوزیسیون

### "دیدگاه"

بهرام عزیز سلام.

همان طور که مطلع هستید، امشب کلیه رسانه های رژیم خبری مبنی بر نفوذ وزارت اطلاعات در میان اپوزیسیون خارج از کشور، را آنتنی کرده، و مستندی را در شبکه اول سیمای رژیم اسلامی پخش خواهند کرد. جهت اطلاع به لینک های این مرجع مراجعه کنید: ایسنا، فارس به نظر شما:

چرا در این برهه از زمان، رژیم این سناریو (حقیقی و یاساخته شده در اتاق فکر وزارت اطلاعات) را چنین هیجان زده آنتنی می کند؟

همان طور که به خاطر دارید، چندی پیش نوری زاده در صدای امریکا از نفوذ وزارت اطلاعات در سایت های سبز (کلمه) خبر داد. آیا آن خبر به این خبر مربوط می شود؟  
با تشکر

علی ناظر

۱۸ خرداد ۱۳۹۰

\*\*\*

علی عزیز با درودهای فراوان،

به نظرم هیاهویی که در این مورد دستگاه های امنیتی – تبلیغاتی حکومت اسلامی ایران، راه انداخته اند هر چند تازگی ندارد اما نحوه انتخاب زمان و ابعاد گسترده تبلیغاتی آن، نشان می دهند که این سناریو، بیش از همه قرار است به یکسری کشمکش های درونی حکومت اسلامی جواب دهد تا به مسأله خارج کشور.

۱۹ خرداد [جوزا] ۱۳۹۰، همه رسانه های حکومتی ایران، با آب و تاب گزارش نمودند که «مستند؟» شب گذشته وزارت اطلاعات حکومت اسلامی تحت عنوان «الماسی برای فریب» از شبکه اول سیما پخش شد که روایتی از نفوذ دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی در کانون اپوزیسیون خارج نشین و اشراف بر تحرکات ضدانقلاب و نمایشی از اقتدار سربازان گمنام امام زمان (عج) در به سرخه گرفتن سرویس های جاسوسی غرب بود.

رسانه های حکومتی تأکید کردند که دشمنان نظام اسلامی در طی ۳۲ سال گذشته همواره با استمداد از اپوزیسیون و به کار گرفتن اقدامات نرم و سخت افزارانه تلاش کردند توطئه های خود را برای براندازی جمهوری اسلامی پیش برند اما پاتک وزارت اطلاعات به توطئه بزرگ دولت در تبعید که همه سرویس های جاسوسی دشمن و ضدانقلاب در لوی آن بودند با اقدامی ستراتیژیک به تأخیر افتاد و فرسایشی شدن آن موجب کاهش نتایج این طرح امریکائی - صهیونیستی شد و سپس با نجات الماسی که برای فریب اندیشیده شده بود، نقشه ای که آن ها الماس خود می خواندند با الماسی دیگر منهدم شد.

رسانه های طرفدار دولت و طرفدار خامنه ای تفسیرهای کاملاً متفاوتی از این سناریویی که از صدا و سیمای حکومت اسلامی پخش کرده اند، دارند.

ایسنا، می نویسد: وزارت اطلاعات پروژه امریکائی «دولت در تبعید» را در نطفه خفه کرد. در آستانه دومین سال وقوع فتنه ۸۸، فتنه ای که شاید بتوان آن را از حیث بدیع بودن متغیرهایش متفاوت ترین فتنه در طول عمر نظام جمهوری اسلامی نامید، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی موفق به بازگرداندن یکی از چهره هائی شد که چندی قبل ایالات متحده آمریکا به زعم خود با سرمایه گذاری بر روی این فرد «دولت در تبعید» را با هدف نابودی نظام جمهوری اسلامی از طریق اقدام های سخت افزارانه تشکیل داد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانش جویان ایران (ایسنا)، در پی ناکام ماندن پروژه براندازی نرم نظام جمهوری اسلامی در دهمین انتخابات ریاست جمهوری، طراحان براندازی نرم به این فکر افتادند که با توجه به جایگاه مذهب در کشوری مانند ایران باید به اقدامات به اصطلاح سخت نیز متوسل شوند، از این رو بنیاد امریکائی دفاع از دموکراسی در یکی از جلسات خود که به مدت سه ساعت به طول انجامید، تشکیل «دولت در تبعید» را مطرح کرد. مأموریت اجرای پروژه «دولت در تبعید» از سوی این بنیاد به دنیس رایس، معاون امور خاور میانه اوباما سپرده شد.

«دولت در تبعید» برای پیدا کردن وجود خارجی نیاز به چهره ای با سوابق اجتماعی - مذهبی داشت. خیلی زود سرویس اطلاعاتی آمریکا این فرد را که دارای وجهه سابقه طولانی خدمت در یکی از نهادهای جمهوری اسلامی بود و در بانکوک به تجارت الماس می پرداخت، شناسائی و بلافاصله سفیر خود در تایلند را نزد این فرد فرستاد. محمدرضامدحی، اگرچه در گام نخست و در دیدارهایی که با مقامات امریکائی در بانکوک داشت، گرفتار این توطئه نشد، اما در سفری که به عربستان داشت این دیدارها و اصرارها ادامه یافت و در نهایت وی در ریاض در حضور سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان باهیلا ری کلینتون دیدار کرد. پس از این دیدار بود که وی پذیرفت تا با همکاری آمریکا و با توجه به ادعایش مبنی بر همراهی هزاران نفر از نیروهای داخلی با وی، فتنه داخل کشور را هدایت کند.

بعداً این چراغ سبز مدحی که «جنبش جمع یاران» را تشکیل داده بود و به گفته خود دبیرکل آن را بر عهده داشت با هوپیمای اختصاصی به واشنگتن برده شد و در آن جا پس از استقرار در ویلانی در حومه این شهر بلافاصله در داخل این ویلا با جو بایدن معاون رئیس جمهور آمریکا دیدار کرد.

دیداری که در آن این مقام امریکائی نسبت به حمایت بدون حد و مرز کشور متبوعش از مدحی، به وی اطمینان داد. دنیس راس که در آن مقطع مأموریت تشکیل دولت در تبعید را در دست داشت با موافقت مدحی نسبت به همکاری در این پروژه، با توجه به آنکه جهت تکمیل پروژه اش به یک چهره نظامی - امنیتی نیاز داشت، پروژه خود را تکمیل شده دید.

مدحی نیز در مراحل آغازین همکاری خود در این پروژه با فردی به نام امیرشاهی که به گفته خود وی ۹ سال در اسرائیل برای اجرای این پروژه دوره دیده بود و نوشتن و صحبت کردن به زبان فارسی را آن جا یاد گرفته بود و هم چنین خوانساری، رئیس دفتر مطالعاتی که هزینه های آنرا ام. آی. ۶ می پرداخت آشنا و در هتل اتلاننسیس پاریس (محل کار امیر شاهی) اتحاد همکاری این سه نفر کلید خورد...

هدف امریکا، انگلیس و اسرائیل که بار دیگر در این پروژه علیه نظام جمهوری اسلامی با هم متحد شده بودند، این بود تا کاری کنند که آتش فتنه ای که در خرداد ۸۸ روشن شد هیچ گاه خاموش نشود. در این مسیر آن ها ترور چهره های مختلف داخلی حتی چهره های منتسب به جریان فتنه را در دستور داشتند.

اماپیش از آخرین مرحله اجرای فرامینی که به سران «دولت در تبعید» از جمله مدحی ابلاغ شده بود و قرار بود وی در سفر به اسرائیل و حضور در پادگان «سکلن» دست به اجرای آن بزند، فرد مذکور به ایران بازگردانده شد تا «دولت در تبعید» مدنظر دولت مردان امریکای در نطفه خفه شود.» (منبع: ایسنا، ۱۸ خرداد ۱۳۹۰)

خبرگزاری فارس نیز نوشت، مقام مسؤول در حوزه امنیت داخلی وزارت اطلاعات اظهار داشت:

پس از آن که دشمنان در جریان فتنه ۸۸ که با توجه به بدیع بودن متغیرهایش متفاوت ترین فتنه در طول عمر جمهوری اسلامی بود موفق به پیش برد پروژه براندازی نرم جین شارب نشد اقدامات سخت افزارانه در دستور کار قرار دادند.

وی ادامه داد: طراحان ناکام پروژه جنگ نرم از جمله جوزف نای به این فکر افتادند که با توجه به جایگاه اقوام و مذهب در ایران متوسل به اقدامات سخت و عملیات های خرابکارانه در کشورمان شود.

این مقام مسؤول در وزارت اطلاعات گفت: بنیاد امریکائی دفاع از دموکراسی (PDD) در یکی از جلسات خود که ۳ ساعت طول کشید تشکیل «دولت در تبعید» را تصویب کرد که مأموریت اجرای این پروژه به دنیس راس معاون امور خاورمیانه اوپاما سپرده شد.

وی افزود: تحقق دولت در تبعید نیازمند چهره ای برخوردار از سوابق اجتماعی و مذهبی بود و بر همین اساس سرویس اطلاعاتی امریکا شناسائی و جذب عناصر مناسب برای رهبری دولت مذکور را در دستور کار قرار داد.

به گفته این مقام امنیتی در آن ایام محمدرضا مدحی که دارای وجهه سابقه طولانی خدمت در نهادهای انقلابی بود و در بانکوک به تجارت جواهرات و سنگ های قیمتی اشتغال داشت، مورد توجه سفارت امریکا در تایلند قرار گرفت.

«این فرد خیلی زود از طریق سرویس اطلاعاتی امریکا برای پیوستن به جریان ضد انقلاب خارج از کشور جذب شد و در سفری به عربستان با مقامات امریکائی از جمله هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه این کشور دیدار کرد.»

مقام مسؤول در حوزه امنیت داخلی وزارت اطلاعات گفت: مدحی با پذیرش همکاری با امریکا و اپوزیسیون خارج نشین و طرح ادعای سازماندهی هزاران نفر از نیروهای داخلی جنبشی راتحت عنوان «جمع یاران» تشکیل داد.

وی افزود: او پس از سفر به واشنگتن با هوایمهای اختصاصی و استقرار در ویلائی در حومه این شهر با جو بایدن دیدار کرد که در این ملاقات، معاون رئیس جمهور امریکا حمایت کامل کشورش از نام برده را اعلام کرد.

این مقام امنیتی ادامه داد: در پی موافقت مدحی با همکاری در پروژه دولت در تبعید دنیس راس که مأموریت تشکیل این دولت را داشت پروژه خود را با توجه به ویژگی های شخصیتی و سوابق همکار جدیدش تکمیل شده دید.

به گفته او، مدحی پس از مدتی به فرانسه رفت و در آن جا با امیرحسین جهانشاهی سرمایه‌دار ایرانی دارای تابعیت فرانسوی - اسرائیلی که پدرش از چهره های نزدیک به رژیم پهلوی به ویژه اشرف بود و خود او نیز مسؤولیت سازمانی موسوم به (موج سبز) را برعهده داشت و ۹ سال برای اقدامات براندازانه در سرزمین‌های اشغالی دوره دیده بود و هم چنین مهرداد خوانساری از عناصر سلطنت طلب وابسته به دفتر به اصطلاح مطالعاتی سازمان جاسوسی ۶MI انگلیس که پدر وی نیز از دیپلمات های رژیم شاه بود، ملاقات کرد.

به گفته این مقام امنیتی، «عبدالله مهتدی رهبر گروهک منحلۀ کومله، حسن شرفی رهبر گروهک منحلۀ دموکرات، علیرضا نوری زاده سلطنت طلب عضو ۶MI، رضا حسین بُراز رهبران یکی از گروه های تجزیه طلب، محسن مخملباف رابط اپوزیسیون خارج کشور باسران فتنه، جهانشاهی از عناصر سازمان موساد و هم چنین مسؤول میز ایران در سازمان جاسوسی فرانسه به نمایندگی از نیکلا سارکوزی رئیس جمهور این کشور» حضور داشتند.

«در این جلسه راه های براندازی جمهوری اسلامی از جمله تداوم حیات جریان فتنه از طریق اقدامات آشوبگرانه و اغتشاش و حتی ترور چهره‌های منتسب به جریان مذکور در داخل کشور و هم چنین نفوذ در ساختارهای قدرت جمهوری اسلامی از طریق جذب نیرو از مراکز مهم مورد بررسی قرار گرفت و ۷ میلیارد دلار آمریکا نیز برای آغاز این تحرکات اختصاص یافت.»

مقام مسؤول در حوزه امنیت داخلی وزارت اطلاعات گفت: پس از انتخاب مدحی به رهبری دولت در تبعید و جهانشاهی به جانشینی وی و ایجاد شورای ۳۰ نفره برای فعالیت های اجرایی در حوزه های سیاسی و اقتصادی و رسانه ای در حقیقت پروژه مذکور وارد فاز جدیدی شد.

وی افزود: یکی از اقدامات صورت گرفته در این مرحله جذب دیپلمات های ایرانی در خارج کشور بود که برای آن کمپینی هم تشکیل شد اما با افشای هویت احمد ملکی دیپلمات ایرانی در ایتالیا که خواهرزاده مهدی کروی بود این پروژه با شکست مواجه شد.

به گفته این مقام امنیتی هنگامی که قرار شد شورای رهبری دولت در تبعید برای مدیریت و هدایت عملیات های خرابکارانه در ایران و براندازی جمهوری اسلامی از طریق کودتا ظرف يك سال در پادگان سیکلن تلاویو مستقر شوند، عملیات نجات مدحی توسط سربازان گمنام امام زمان (عج) انجام شد و او به کشور بازگشت.

وی در پایان تأکید کرد که امروز به حمدالله با در پیش گرفتن رویکرد تهاجمی وزارت اطلاعات و تعریف امنیت نظام اسلامی در خارج از مرزها و اقدامات مؤثر و هوشمندانه در این عرصه جمهوری اسلامی در بالاترین سطح ثبات و امنیت قرار دارد.

تفسیرسایت «تابناک»، سایت نزدیک به محسن رضائی فرمانده سابق سپاه پاسداران و بازار گرمکن انتخابات ریاست جمهوری حکومت اسلامی، جالب تر از رسانه های دیگر است و کاملاً در مقابل تفسیر رسانه های دولتی قرار دارد.

در خبرگزاری حکومتی ایسنا و ایرنا و فارس و مهر و غیره بحث از افشاءگری های یک مقام امنیتی حکومتی در رابطه با «دولت در تبعید» است. در حالی که تابناک از این مقام امنیتی، به عنوان نفوذی وزارت اطلاعات حکومت اسلامی در «اپوزیسیون» نام می برد.

تابناک، می نویسد: شب گذشته، ۱۹ خرداد [جوزا] ۱۳۹۰، یکی از مأموران وزارت اطلاعات که در قالب عامل نفوذی دستگاه اطلاعاتی کشور در درون حلقه اول نیروهای برانداز حکومت ایران نفوذ کرده بود، به تشریح چگونگی نفوذ خود و دستگاه اطلاعاتی ایران در بین نیروهای برانداز جمهوری اسلامی ایران پرداخت و با تفصیل و جزئیات و با ارایه مدارکی از قدرت نفوذ دستگاه اطلاعات کشور در مدیریت مسائل امنیتی در بیرون از مرزهای کشور پرده برداشت.

به گزارش «تابناک»، رسانه ای شدن این دستاورد بزرگ اطلاعاتی، در حالی صورت گرفت که روز گذشته، برخی از رسانه ها و اتفاقاً رسانه هائی که مستقیم رسانه دولت به شمار می روند، با انتشار خبری با نام اعترافات يك عنصر وابسته به «سی آی ای»، کوشیدند «محمدرضا مدحی» را عنصری فریب خورده معرفی کنند که در خدمت سازمان های اطلاعاتی امریکا بوده و به دلیل پیشیمانی در حال اعتراف است، در حالی که اتفاقاً به عکس، «محمدرضا مدحی» کاملاً آگاهانه و به قصد انجام عملیات اطلاعاتی به عنوان نیروئی اطلاعاتی، وارد سازمان های مخالف جمهوری اسلامی ایران شده بود.

بنابر این گزارش، خبرگزاری «ایرنا» در حالی این خبر را این گونه منتشر کرد که گمان می شد انتشار این خبر با این عنوان از روی اشتباه صورت گرفته باشد و خبرگزاری دولت در اسرع وقت خبر را درست کند؛ اما با وجود این، پس از پخش اظهارات مدحی، نه تنها ایرنا خبر پیشین خود را اصلاح نکرد، بلکه امروز پنجشنبه روزنامه ایران نیز بار دیگر همین خبر را با نام و محتوایی نادرست منتشر کرد.

درواقع، آن چه در انتشار این خبر اهمیت داشت، قدرت نفوذ دستگاه اطلاعاتی و امنیتی ایران در درون نیروهای برانداز و آگاهی از برنامه های آنان به منظور مقابله با این برنامه ها بود، و گرنه تردیدی نیست که از همان آغاز، نیروهای برانداز در صدد طرح سناریو و اجرای عملیاتی برای ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی هستند و پرداختن به آن موضوع جدیدی نیست.

این در حالی است که خبری که روزنامه ایران و خبرگزاری ایرنا منتشر کرده است، این موضوع را به ذهن مخاطبان می آورد که گوئی، این رسانه های متعلق به دولت می خواهند موفقیت وزارت اطلاعات ایران در درون حلقه های اول نیروهای برانداز را غیرواقعی جلوه داده و این موفقیت و قدرت را در حد اعترافات يك عنصر فریب خورده تخفیف دهند.

به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، در این مستند که با عنوان «الماسی برای فریب» شب گذشته از شبکه اول سیما پخش شد، نحوه نفوذ «محمدرضا مدحی» در سازمان جاسوسی سیا و دولت امریکا مورد بررسی و کنکاش قرار گرفت.

بدین ترتیب، شکی باقی نمی ماند که این سناریو، ربط چندانی به اپوزیسیون و نفوذ عوامل اطلاعاتی نداشته و ساخته و پرداخته سناریوسازان امنیتی - اطلاعاتی در سال گرد اعتراضات مردمی سال ۸۸ به بهانه مضحکه انتخابات و تقلب آشکار در آن و هم چنین در راستای دعوا و اختلافاتی که درون جناح اصول گرای حکومتی در جریان است آن را نوشته و پخش کرده اند.

ازسوی دیگر، اپوزیسیون راست نیز آن چنان ورشکسته است که مشغله عمده سازمان ها و شخصیت هایش را همکاری با جناح های حکومت اسلامی و دولت های غربی و غیره گرفته است.

برای مثال، می توان به کنفرانس سال ۱۳۸۵ کاخ سفید اشاره کرد که در گزارشات آمده بود کاخ سفید ۲۵ نفر ایرانی را تحت عنوان کارشناسان و فعالان حقوق بشر و سیاسی ایرانی دعوت کرده بود تا با آن ها به بحث و تبادل نظر

بنشینند. الیوت آبرامز، مسؤول بخش خاورمیانه در شورای امنیت ملی کاخ سفید و نیز نیکلاس برنز معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا در این جلسه شرکت داشتند. گفته شده است در این جلسه، اقلیت های قومی، مذهبی و فعالان حقوق بشر شرکت کرده بودند. در این مورد می توان به نشریه نیمروز اول دی ماه ۱۳۸۵ نیز درباره اهداف و سیاست های آمریکا و ارتباط با اپوزیسیون راست به سخنان رایس وزیر امور خارجه وقت آمریکا مراجعه کرد. یا کنفرانسی که چند سال پیش در پاریس برگزار شد و... یا مصاحبه سردار سیدرضا حسینی (محمدرضا مدحی) با دکتر علی رضائوری زاده، پیرامون کمیته حفظ نظام (تقویت و جلوگیری از تضعیف نظام) نحوه شکل گیری، عملکرد، وظائف، محدوده اختیارات، هم چنین فساد گسترده مسؤولین عالی رتبه نظام علی الخصوص قوه قضائیه و مسائلی از این قبیل، تخلفات و ظلم های بی حد و مرز مسؤولین صاحب نفوذ به عده ای و تصاحب اموال آنان به طرق مختلف و از مجاری کانال های دولتی (متن پیش رو پیاده شده مصاحبه سردار حسینی (مدحی) می باشد که به دلیل این که مخاطبین به هر صورتی حتی به صورت مکتوب دسترسی به روشنگری ها و شفاف سازی های ایشان داشته باشند لذا سعی نمودیم نوشتار را عیناً شبیه خود مصاحبه با ادبیات محاوره ای پیاده نمایم تا هیچ تغییری در محتوا پدید نیاید. «منبع: (دبیرخانه جنبش جمع یاران) جانبازان، رزمندگان جنگ و نظامی اطلاعاتی های مخالف روند کنونی - نوشته شده در اپریل ۱۳، ۲۰۱۱ توسط antitaleban | بیان دیدگاه» \* (زیر همین مطلب ضمیمه است)

صرفنظر از این که آیا چنین ادعائی جدی و واقعی است یا نه؟! این که بدیل سازی برای حکومت اسلامی از طریق کودتا، به عنوان یک «آلترناتیو»، ذهن نوری زاده و هم فکرائش را می گیرد از همه جالب تر است. روشن است که این نوع تفکر، یک روز به دنبال خاتمی و روز دیگر به دنبال موسوی و روزهای دیگر به دنبال سیاست های دولت آمریکا و فرانسه و عربستان و اسرائیل می دود و همواره دچار بحران می گردد. باید از نوری زاده ها و رسانه های فارسی زبانی چون تلویزیون آمریکا و رادیو فردا و بی بی سی و غیره پرسید که چگونه آدم کشان حکومت اسلامی را به عنوان فعال حقوق بشر و مخالف حکومت اسلامی و غیره معرفی می کنند؟!

خلاصه کلام، به نظر من، وزارت اطلاعات به دلیل برکناری و یا استعفای مصلحی وزیر اطلاعات و ابقای مجدد آن توسط علی خامنه ای رهبر حکومت اسلامی، خانه نشینی دوازده روزه احمدی نژاد و آشکار شدن اختلافات بین خامنه ای و احمدی نژاد و غیره باید مورد بحث و بررسی قرار داد.

در این کشمکش جدیدی که در میان خود جناح حاکم اصول گرایان پیش آمده و روزبه روز نیز عمیق تر می گردد برای کل حکومت اسلامی و به ویژه رهبر قدر قدرت حکومت، رسوائی بزرگی بار آورده است. از این رو، کل حاکمیت در بحران به سر می برد. عقب نشینی های احمدی نژاد نیز تأثیری بر کاهش حمله طرفداران رهبر به دولت او ندارد. بنابراین، اگر یک سناریوی خارجی تراشیده شود احتمالاً افکار عمومی جامعه به آن سمت کشیده می شود و واقعیت ها در پرده ابهام باقی می ماند. این سناریو قرار است از ریزش مأمورین و فرماندهان اطلاعاتی و امنیتی و سپاه و غیره جلوگیری کند و هم به اپوزیسیون و هم به دولت های عربی این طور وانمود کند که اگر کسی از آن ها به خارج کشور فرار کرد اعتماد نکنند چون که نفوذی حکومت است.

علاوه بر این، این سناریو قرار است اپوزیسیون را نیز به برخی از اعضایش که اخیراً از ایران خارج شده اند بی اعتماد کند.

این سناریو قرار است به پائین کشیدن فتیله ها و پشت سر گذاشتن بحران موجود در حاکمیت کمک کند.

این سناریو قرار است به وزارت اطلاعات که در کشمکش اخیر رهبر و رئیس جمهور ضعیف شده است، دل و جرأتی تازه دهد.

این سناریو قرار است جلو اعتراضات تازه احتمالی سالگرد مضحکه انتخابات ریاست جمهوری خرداد ماه ۸۸ و اعتراضات مردمی متعاقب در این سال را بگیرد.

به این ترتیب، به نظر من، این سناریو سوخت و ساز داخلی برای حکومت اسلامی و دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی آن دارد تا این که به اپوزیسیون نسبت داده شود. کدام اپوزیسیون؟ کدام دولت در تبعید؟ به خصوص هنگامی که به سوژه اصلی نگاه می کنم به سادگی می بینم که دست کم این سناریو در آن ابعادی که سناریو سازان حکومتی طراحی کرده اند و در این ابعاد وسیع تبلیغ می کند، نبوده است.

دو هفته پیش وزارت اطلاعات حکومت اسلامی خبر داد که بیش از سی نفر جاسوس دستگیر کردند و ادعا نمودند که برخی از آن ها با سازمان سیا رابطه داشتند. احمدی نژاد هم می گوید کسانی را که در دولت می خواستید دستگیر کرده اید و من زمین خورده خدائی هستم پس اجازه بدهید دولت به کار خود ادامه دهد. بنابراین، جاسوس پروری و زیر شکنجه جاسوس سازی و اقرارهای تلویزیونی، کسب و کار دایمی کرد به دستان حکومت اسلامی است.

بیشک، هر جریان و انسان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدی اگر بخواهد در رابطه با سیاستها و فعالیت های اپوزیسیون راست و همکاری هایشان با دولت های غربی و در رأس همه دولت امریکا، بررسی و تحقیق کند آن قدر فاکت های محکم و مستند وجود دارد که نیازی به چنین سناریوهای حکومت اسلامی ندارد. سناریوهایی که سناریوسازان حکومت اسلامی تهیه می کنند و به عنوان «مستند» به خرد جامعه می دهند عموماً در تلاشند با یک تیر دو نشان بزنند: هم رقبای جناحی درون حاکمیت شان را منزوی سازند و هم فشاری به اپوزیسیون راست خارج کشور که به ده ها سیاست بند و بست با دولت ها و حتی جناح های حکومت اسلامی نیز آلوده هستند، بیاورند.

مسلم است که چنین سناریوهایی هیچ مشکلی از انبوه مشکلات حکومت اسلامی نخواهند کاست. کسی نیز با چنین سناریوهایی دچار توهم به این و یا آن جناح حکومت اسلامی نمی شوند. چراکه اکثریت مردم ایران از این حکومت جانی نفرت دارند و برای برکناری کلیت آن بامبارزه متحد و متشکل و آگاهانه خود، روزشماری می کنند و به علاوه حتی تاریخ مصرف این حکومت برای سرمایه داری جهانی به پایان رسیده است.

پنجشنبه نوزدهم خرداد [جوزا] ۱۳۹۰ - نهم جون ۲۰۱۱

#### ضمیمه:

متن پیاده شده از مصاحبه دکتر نوری زاده با سردار مدحی؛

بخش هائی از این مصاحبه چنین است:

... سلام سردار

سردار سیدرضا حسینی (مدحی): سلام به شما آقای دکتر و بینندگان و شنوندگان محترم برنامه پنجره ای رو به خانه پدری.

دکتر نوری زاده: ممنونم عزیزم که در واقع با کاری که الان دارید می کنید خسته ای، کار سنگینه ولی خوب ادم وقتی عاشق باشه کار می کنه، یادتون هست پریشب من با چه چشمی ادم خدمتون، چشم سردار هم مثل مال منه، یعنی او هم خوابیده ولی امروز مطابق بحث هائی که داشتیم برای اینکه مدحی را بهتر بشناسید برای این که به هر

حال انسانی بوده به خاطر نوع کاراش و حساسیت کاراش اغلب در پس پرده بود اما بنده وقتی عکس ها را می بینم در بیمارستان چه کسی رفته به دیدنش برایم مشخص می شود که چه جایگاهی داشته یا حکمی را که به ایشان دادن می بینم معلوم می شه دو کار سردار مدحی داشته خیلی مهم بوده یکی مسأله کمیته حفظ نظام، یعنی تلاش برای نگه داشتن نظام و جلوگیری از خطراتی که نظام را تهدید کرده و یکی دیگر تشکیلاتی بوده که در واقع برای مقابله با خطرات بوده مقابله با دشمن بوده، من دلم می خواد به خودش واگذار کنم واقعا این کمیته ها را برای شما تشریح کنه بدانید چه آدمی داره با ما صحبت می کنه که اونوقت حرف هاش معنی بهتری پیدا می کنه و جایگاه خودش هم مشخص می شه، سردار سراپا گوشیم.

### **سردار سیدرضا حسینی (مدحی):**

خواهش می کنم در خدمت شما هستم ببخشید عرضم به حضورتان در تأیید فرمایش شما بله ما هم یک چهار شبی می شه که درست نتوانستیم بخوابیم الحمدالله از بیمارستان به لطف خدا و کمک دوستان از جمله حضرت عالی که بسیار محبت فرمودید مرخص شدم اما سخت درگیر و مشغولیم مثل شما، من که چشمم دیگه واقعا افتاده انشاءالله که خدا کمک کنه نتیجه بده کارهامون، عرضم محضرتون در خصوص کمیته فرمودید ما یک کمیته داریم به نام کمیته تقویت و جلوگیری از تضعیف نظام، این کمیته وظیفش این هست که با هر نوع مسأله ای، یعنی اختیارات اینقدر جامع هست که شما می توانید به نانوایی از آرد نانوایی شما می تونید مسأله را بگی ایجاد بدبینی می کنه تا بیانی بررسی به بالاترین مقام اجرائی کشور یا سیاسی یا نظامی یا امنیتی یا قضائی یا هرکسی که فعاله شما در این کمیته این قدر اختیار داری که حتی تا زیر مجموعه های رهبری را کنکاش بکنی و با مسائلی که به وقوع پیوسته یا به وقوع می خواد ببیونده برخورد بکنی این کمیته از ابتکارات جمعی از دوستان و پیشنهاد اولیه حقیر بوده قبل از این در قالب کشف جرائم و اطلاعات در سال های اولیه بعد از جنگ شروع به کار کرد. یادش به خیر این جا یادی از حاج آقای رزاقی بکنیم که ایشان خیلی زحمت کشیدند آن اوایل برای برخورد با تخلفات مسؤلین، عمده کار ما برخورد با تخلفات مسؤلین رده یک و رده و دیگر خیلی به پائین می آمدم دیگر رده ۳ نظام بوده ولی شرایط امکانات آن قدر جامع بوده که می توانستیم حتی به افراد عادی هم که ایجاد بدبینی می کنند مثلا وارد بشیم یعنی از اختیارات ما بود.

**دکتر نوری زاده:** ببخشید سردار یعنی این که افرادی که با عملکردشون در مردم ایجاد بدبینی می کردند یعنی این که با دزدی هاشون، با سوء اخلاقشون، این ها باعث می شدند که مردم بدبین بشن به نظام.

**سردار سیدرضا حسینی (مدحی):** آقای دکتر دقیقا همین هست دیگه ببینید شما وقتیکه اخیرا آقای لاریجانی رئیس قوه قضائیه اعلام کردند یک باندهی را گرفتن ۶ میلیارد تومان اختلاس دولتی دارند خوب حالا خدا بیامرزه ما پرونده ای داشتیم ۳۷ میلیارد تومان اختلاس نبود ولی اسمش را گذاشته بودند اختلاس، ۳۷ میلیارد تومان برای تبلیغ فرد هزینه کرده بودند وقتی که یک جوانی این را می بینه و برای یک وامی واقعا، من رفته بودم برای بانک خودم وجهی را می خواستم از حسابم برداشت بکنم حالا خوب می دونید در ایران برای یک مبلغ مثلا خوب برای یکی ۵ میلیون خیلی پول هست جریان همان هر که بامش برف بیش هست، به هر حال من رفته بودم بانک یک مبلغی را برداشت کنم جوانی گریه کرد ما در حساب اسم شماره حساب میدم شش و میلیون یک اولین حساب خیریه بانک ملی، اون موقع آقای امیر اصلانی و احسانی میر و معاون بانک ملی کل کشور بودن اسم من هم محمدرضا مدحی به همین اسم شماره حساب شش میلیون و یک اولین حساب خیریه رو من باز کردم که از حساب شخصی خودم درآمد وارثی که پدرم به جا گذاشته بود الحمدالله دو چیز ما قبل از انقلابیه، یکی دین ماست یکی درآمد ماست اینا همه



برمیگرده به قبل از انقلاب، این حساب شش میلیون و یک که من آن جا افتتاح کرده بودم از محل این من نامه می نوشتم می رفتن از بانک با سپردن مثلا یک تعهد وام می گرفتن. این بعد از این اتفاق صورت گرفت من جوانی رو در بانک دیدم به خاطر یک وام ۲۰۰ هزار ۲۵۰ هزار تومان وام ازدواج از ایشان فقط سند منگوله پدرش و مادرش و پدر زنش و مادر زنش و خواسته بودن ببینید در چنین شرایطی که وقتی یک اختلاس ۶ میلیاردی در امروز میشه فکر نکنید که اون معضل حل نشده هنوز هست جوانی که برای امر ازدواج لنگ وام ازدواجش، آقایون ببخشید دیگه میلیارد میلیارد وام می گیرن بزرگ ترین وام ها رو می گیرن من توی فیلم زمانی که در ایران بودم این ها را گفتم با چند تا از این آقازاده ها به خاطر فساد مالیشون برخورد شده این فیلم الان در وبلاگم هست در یوتیوب در اکانت هست...

## بخش دوم

**دکتر نوری زاده:** با درود مجدد خدمت شما عزیزانم، خوب با سردار آدم که بنشینه حرف بزنه می بینه تا صبح رفت اتفاقا ما این جور می هم شده بود ایشان خسته هم بود ناراحتی داشت، سرفه داشت، من رهانش نمی کردم می نشستیم پای حرف زدن و صحبت می کردیم تا بامدادان. یک دوست دیگر هم هست خیلی دوست نازنینی هست اجازه ندارم اسمش را بگویم به اتفاق او بودیم با سردار می نشستیم تا بامدادان، خوب وقتی هم در بیمارستان بود می آمد پرستار به ما می گفت دیگر کافیه برید بیرون این نیاز داره به اکسیژن، نیاز داره به استراحت، ولی ما رهانش نمی کردیم خلاصه، آن قدر این مسأله جالبه، این موضوع این قدر ادامه داره، چون سردار برای من گذاشته روی میز داکيومنت ها را دیدم، اسامی را دیدم زدی ها را دیدم و ما این را ادامه خواهیم داد چون به خصوص مسأله جریان آقای پالیزدار، و آن قضایائی که آن جا شد سردار تمام تفسیرش رو میدونه ولی بعد یک جریان دیگر هم هست مسأله کمیته دیگر هم براندازی که حالا من از ایشان خواهش می کنم به طور خلاصه در ۱۰ دقیقه این را هم بیان کنند که بعدش من یک سلسله خبر و مطلب هست باید برایتون بگم سردار میکروفن در اختیار شماست.

## سردار حسینی (مدحی):

خواهش می کنم در خدمت شما هستم کمیته ضد براندازی در اصل درحفاظت اطلاعات ستاد فرماندهی کل قوا مستقره، کارش ضد براندازی در سه شاخه هست عمده شاخه هاش هم نظامیه مثلا آنتی کودتا مثلا در بحث این که نیروهای مسلح بخواهند جذب بشوند و کار خاصی انجام بدهند و از آن سری مسائل که مثلا همین جنبش جمع یاران که ما الان تشکیل دادیم الان یکی از شاخه های ما می خوره به همین کمیته ضد براندازی، در ایامی که من در قدرت بودم این هم آوردیم زیر مجموعه خودمون چون ما هم تقریبا ضد براندازی بودیم دیگر کمیته حفظ نظام یعنی چی یعنی تقویت و حفظ نظام و جلوگیری از تضعیف این را هم آوردیم زیر مجموعه خودمون، که برخوردارهامون از جمله با این آقای عسکری بود که معاونت پشتیبانی وزارت دفاع بود یک پرونده دو میلیاردی مطرح بود در مورد ایشان یک آقائی بود مسؤول پرونده ایشان مسؤول حفاظت آن جا بود آقای ذوالقدر اون موقع مسؤول حفاظت اطلاعات وزات دفاع بودند که این ها هم زیر شاخه مامی آمدند برای انجام کارها، یا مثلا در مورد احزاب بود و گروه ها بود و گروهک ها بود و در کل هر چیزی که باعث براندازی می شد. رو راست از اون جایی که خود ما خیلی می لنگیدیم به آن مسائل خیلی نمیپرداختیم بنده می گفتم یک شعاری داشتم می گفتم دستگاه قضا را اگر بتونیم سلامت بشکنیم و مسؤولین را از فساد دور بکنیم به خدای احد و واحد، ۱۳ سال پیش من طرح کیش را دادم که کیش مثل دوی بشه، آقا شما همین با شناسنامه محدودیت ندارید مردم راحت بتونن برن و بیان ماندگاری حکومت در این هست نوشتن این را رسماً، خیلی ها موافقت کردند و بعضی ها هم خوب انتقاد کردند گفتیم آقا برای غیر مسلمان هم

آنجا شما مشروب و این چیزها را بگذارین حالا به ما ربطی نداره یک نفر اگر به نام مسلمان هم رفت نشست آنجا خورد گیر ندهید، تفتیش عقاید نکنید، امام گفت تفتیش عقاید نکنید، دین اسلام گفته نکنید این طرحی بود اون موقع ما داده بودیم برای ضد براندازی، گفتیم اگر اینها صورت بگیره براندازی اساسا صورت نمی گیره، اگر به همه مناطق ما یک سان رسیدگی بکنیم اساسا دیگه مشکلی نداره جامعه، و حل میشه مشکل این در مورد کمیته ضدبراندازی که منتها الان انشفاق به وجود آمده و جدا شده آن رفته همان ستاد فرماندهی کل قوا و این هم سر جای خودش مانده که مسؤلش یکی از دوستان قدیمی خود ما هستش.

**دکتر نوری زاده:** من یک سؤال دیگری دارم. در این جلسات که سردار می نشستین من دیدم در این اسنادشما، آدم های خیلی بالا از نماینده مجلس خیرگان گرفته تا وزیر وقت اطلاعات تا فرمانده سپاه تا این افراد واقعا این ها وقتی می نشستن از نارضایتی مردم خبرنداشتند، نمی دانستن مردم چطور نسبت به نظام فکر می کنند، خیلی راحت فرد می آد می گه تمام ملت با ما هستن آقای متکی میاد می گه بله ۴۰ میلیون با ما هستن آن ها ۳ هزار ۴ هزار نفر بیش تر نیستند در مصاحبه با فرید زکریا، در جلسات خصوصی این ها اقرارداشتند که ملت چطور بهشون نگاه می کنند.

**سردار حسینی (مدحی):** ببینید جناب آقای دکتر نوری زاده به این مسأله اگر بخوام خیلی بیردازم ممکنه که موضوعاتی به وجود بیاد چون یک سری اخبار در خارج دل بخواه مردم گفته شده من نمی خوام این جا به هیچ دوستی، به هیچ یاری که از ایران آمده بیرون، بی احترامی بکنم. حتی ما گفتیم همه افرادی که از ایران آمدن بیرون گفتیم آقا بیاین به جمع جنبش جمع یاران ببینید یک قدرت واحد هم در خارج از کشورباشیم همان طور که بچه ها در داخل دارند فعالیت می کنن من اصلا نمی خوام به هیچ کدام از این دوستان اهانتی کرده باشم یا حرفشون را تأیید یا تکذیب کرده باشم ببینید یک جوری شده که الان بخوام بگم فلان مسؤل گریه کرده و جلسه را ترک کرده یک دید دیگه ای می شه می گن آقا این داره فلانی را تطهیر می کنه، همین سردار یحیی رحیم صفوی، خداگواهه من نمی خوام شما جای دست ها و بدنم را دیدین هم آثار شیمیائی را هم لطف آقای الیاس محمودی و دار و دسته ش رو (دکتر نوری زاده: ولی الیاس را گرفتن با دستیند، خیلی جالب بود باور کن سردار) جنتی را باید بگیرن، هاشمی شاهرودی را باید بگیرن، آقا خواهرزاده آقای هاشمی شاهرودی در مجتمع مبارزه با مفساد اقتصادی که مظهر مفسدین اقتصادی هست مبارزه نیست اصلا مرکز فساد اقتصادی هست این ها را باید بگیرن الیاس محمودی یک پیاده نظامی از این جمع بود آن پروین خانمی که بااسناد رفته الان در المان ببینم برای این الیاسش می خواد چه کاری کنه، کدام یکی از اسنادش را می خواد رو کنه که دیگه ما همه را داریم...

۲۰ خرداد ۱۳۹۰